

رهبر انقلاب در دیدار هزاران نفر
از زنان و دختران

زن، کارگزار خانه نیست
مدیر است

انتخاب سرنوشت ساز
برای مازندران

ویلاسازی گسترده یا توسعه عمودی هوشمند؟



شهری که با زنده کردن آسبادهای
به همت مردم محلی متحول شد

زنان و باد داستان زندگی در «نشتیفان»



اخبار

رهبر انقلاب در دیدار هزاران نفر از

زنان ودختران:

زن، کارگزار خانه نیست مدیر است

رهبر معظم انقلاب اسلامی صبح دیروز در دیدار هزاران نفر از زنان ودختران مناطق مختلف کشور حضرت فاطمه زهرا(س) را در همه عرصه‌ها یک انسان عرشی آراسته به والاترین خصوصیات خواندند وباتیین نگاه‌اسلام به‌شان وحقوق زنان در عرصه خانه واجتماع، پابدها و ناپیدهای رفتار مردان با همسران و زنان را در زمینه‌های مختلف تشریح کردند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به فضایل بی‌حد وحصر بانوی دو عالم در «عبادت و خشوع، ایثار و گذشت برای مردم، تاب‌آوری در سختی‌ها ومصائب، دفاع شجاعانه از حق مظلوم، روشنگری و تبیین حقایق، فهم و عمل سیاسی، «خانه‌داری، همسرداری و فرزندپروی»، حضور در حوادث مهم تاریخ صدر اسلام» و دیگر عرصه‌ها، گفتند: زن ایرانی الحمدلله از چنین خورشیدی که به فرموده پیامبر(ص)، سرور همه زنان عالم در همه دوران تاریخ است، الگو ودرس می‌گیرد و در جهت اهداف اوحرکت می‌کند.ایشان شان زنان در اسلام را بسیار بالا و والا خواندند وافزودند: تعابیر قرآن دربارهٔ هویت و شخصیت زن، عالی‌ترین و مترقی‌ترین تعابیر است. رهبر انقلاب با اشاره به آیت قرآن کریم دربارهٔ «نقش برابر زن و مرد در رسیدن به کمالات معنوی وعالی‌ترین مقامات»، گفتند: همه این نکات با بدفهمی‌های کسانی که دین دارند اما دین را نشناخته‌اند و کسانی که از اساس دین را قبول ندارند، در تضاد است.ایشان با تبیین منطق قرآن در زمینه حقوق زنان در جامعه تأکید کردند: در اسلام در فعالیت‌های اجتماعی، کسب وکار فعالیت سیاسی، دستیابی به بیشتر مناصب حکومتی و در عرصه‌های دیگری زن با مرد حقوق برابری دارد و در سلوک معنوی و تلاش و حرکت فردی و عمومی، زمینه‌های پیشرفت او باز است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به اینکه فرهنگ منط غربی و سرمایه‌داری از نگاه اسلام کاملاً مردود است، افزودند: در اسلام برای حفظ شان زنان و مهار خواش‌های بسیار قوی و خطرات جنسی، محدودیت‌ها و احکامی در «ارتباط زن با مرد، پوشش زن و مرد، حجاب زن و تشویق به ازواج» وجود دارد که کاملاً منطبق با طبیعت زن و صلحت و نیازهای حقیقی جامعه است؛درحالی‌که‌مهارکشش‌های بی‌پایانومخرب جنسی در فرهنگ غربی، مطلقاً مورد توجه نیست.

رهبرانقلاب، زن ومرد را دراسلام دو عنصر متعادل با مشترکات فراوان و برخی تفاوت‌های ناشی از جسم و طبیعت دانستند وگفتند: این «دو عنصر مکمل» در اداره جامعه بشری، ادامه نسل بشر، پیشرفت تمدن، تأمین نیازهای جامعه و اداره زندگی نقش‌آفرین هستند. ایشان در روند این نقش‌آفرینی حیاتی،تشکیل خانواده‌راز مهم‌ترین کارها برشمردند وافزودند: برخلاف فراموشی نهاد خانواده در فرهنگ غلط غربی، در اسلام برای «زن، مرد و فرزندان» به عنوان عناصر شکل‌دهنده خانواده، حقوق متقابل و مشخصی دیده شده است. رهبر انقلاب دربخش دیگری از سخنانشان که به حقوق زن اختصاص داشت، «عدالت در رفتار اجتماعی و خانوادگی» را اولین حق زنان برشمردند وبا تأکید بر وظیفه دولت وآحاد جامعه در تأمین این حق، گفتند: «حفظ امنیت، حرمت وکرامت» نیز از حقوق اصلی زنان است و برخلاف سرمایه‌داری غرب که کرامت زن را لگدمال می‌کند، اسلام بر رعایت کامل احترام زن تأکید دارد.ایشان با اشاره به روایتی از پیغمبر اکرم که زن را «گل» و نه «کارگزار و مأمور انجام کارهای خانه» می‌داند،افزودند: در این نگاه باید با پرهیز از عناب و خطاب زن، اورا همچون گل مراقبت ومحافظت کرد تا اونیز خانه راز رنگ و عطر خود برخوردار سازد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، مثال زن قرآن از دو بانوی مؤمن یعنی مریم و آسیه (همسر فرعون) را یک شاخص برای همه مردان وزنان مومن ونشان‌دهنده اهمیت فکر و عمل زن خواندند وگفتند: حقوق اجتماعی زن همچون تساوی دستمزد با مردان در کار واحد، بیمه‌زنان شاغل ویا سرپرست خانوار،مرخصی‌های ویژهٔ زنان و ده‌ها مسئله دیگر باید بدون تبعیض رعایت شود ومحفوظ باشد.ایشان مهم‌ترین حق و نیاز زن در خانه را «محبت همسر» برشمردند وبا بیان روایتی که مردان را به ابراز علاقه و بیان محبت به زنان خود توصیه می‌کند، افزودند: حق مهم و بزرگ دیگر زن در خانه، «نفی هرگونه خشونت علیه او» و اجتناب کامل از انحرافات رایج در غرب همچون کشتن ویاکتک زدن زنان به دست مردان وهمسران است. رهبرانقلاب «پرهیز از تحمیل کار خانه به زن»، «تکمیل شوهر به زن در گذراندن عوارض فرزندآوری» و «باز گذاشتن راه ترقی و پیشرفت علمی و شغلی» را از دیگر حقوق زنان دانستند وبا تأکید بر اینکه زن مدیر و رئیس خانه است، گفتند: باید از زنان که با وجود درآمد‌های ناگافی وثابت همسران وگرانی اجناس، هنرمندانه خانه را اداره می‌کنند قدراتی کرد.ایشان در بیان تقابل نگاه سرمایه‌داری واسلام به زن،گفتند: زن در اسلام، استقلال، توانایی، هویت وامکان پیشرفت دارد اما نگاه سرمایه‌داری، تبعیض و همضم شدن هویتی زن در مرد وعدم رعایت شرافت وحرمت زن است و زن را وسیله مادی و ابزار هوسرانی و خوشگذرانی می‌داند که باندهای خلاق‌کار که اخیراً درآمریکا وسودی زیادی به پاک‌دهاند نتیجه این نوع نگاه است.ir Leader.
ادمه را در سایت «پیام ما» بخوانید.

شهری که با زنده‌کردن آسبادها به همت مردم محلی متحول شد

زنان و باد داستان زندگی در «نشتیفان»

نام نشتیفان با آسبادها گره خورده است. اینجا جایی است که طوفان نیش می‌زند، شاید به گزندگی نیش عقربا! اما مردمانش دست روی دست نگذاشتند که نیش به عمق جانشان کمانه کند. به استقبالش رفتند و آن را به چیزی بهتر تبدیل کردند.
آنقدر بهتر که اگر از قدیمی‌های نشتیفان بپرسی میوه نشتیفان چیست؟ می‌گویند: باد آنها در سرزمینی که به سختی و سرسختی معروف است، از انرژی نهفته در طوفان، برای بزرگداشت زندگی بهره برده‌اند. از کدام طوفان حرف می‌زیم؟ از آنها که با باد‌های ۱۲روزه سیستان می‌آیند و نه‌فقط سیستان که کل خراسان را در هم می‌نوردند، آن‌هم از اواخر بهار تا کل تابستان. در نشتیفان روایت‌های مختلفی جریان دارد، از آسبادها تا بومگردی‌ها و از «آس‌گل» تا پرده‌های کلدوزی‌شده به دست زنان.

می‌گویند تا ۳۰ سال پیش مردم به جنبه میراث فرهنگی اینجا آگاه نبودند. در کودکی نزد پدرش از باد شکایت می‌کرده. پدر می‌گفته: «از باد بد نگو! باد میوه نشتیفانه! اگر این باد نبود ما تلف می‌شدیم!» نگاه اهالی اینجا به باد برلیم تحسین‌برانگیز است. شاید ما با شکایت با طوفانی گذرا مواجه می‌شویم، اما در نگاه نشتیفانی‌ها طوفان نعمت است. او از زنان پدرش می‌گوید قبل‌ترها ما باد داشتیم، اما خاک نداشتیم. برای هر چیزی راهکاری داشتیم. برای درمان ماندن محصولات کشاورزی، دو ردیف کاج در شمال زمین‌های کشاورزی می‌کاشتند تا بتوانند کشاورزی کنند. بادها از شمال می‌وزند و آسبادها هم در مسیر باد‌های شمالی روی ارتفاع قرار گرفته‌اند. برای درمان ماندن آدم‌ها هم، ساباط‌ها را در معماری گذشته به کار می‌بردند. از زبان پدرش می‌گوید: «ما در پناه بودیم.» اینجا زندگی در تعادل و تعاملی پایدار بین انسان وطبیعت بود.

هومن می‌گوید با اینکه می‌دانیم کاج، بومی این منطقه نیست، اما راهکاری بود که به ذهن نیکان ما رسید برای زنده ماندن. ساباط‌ها در اواسط دهه ۷۰ به ایجاد مشکلات اجتماعی، مزخوبه می‌شوند. اما یک عامل به در امان ماندن آسبادها کمک می‌کند؛ قیرستان تاریخی روستا. وجود قیرستان قدیمی در شمال آسبادها، مانع ساخت‌وساز در حریم آسبادها می‌شود.

احیای آسبادها و انتظار برای ثبت جهانی

هومن از ۱۰ سال پیش که تنها دو آسباد قابل استفاده بود، روی بهبود و احیای آنها کار می‌کند. پای آسبادها «محمد اعتباری» یکی از قدیمی‌های روستا را می‌بینیم. او نقش مهمی در راه‌اندازی مجدد آسبادها داشته است. هومن می‌گوید چون قدیمی‌ها پای کار بودند، آنها را تشویق کرده که با راه‌اندازی مجدد آسبادها به ثبت آنها در فهرست میراث جهانی یونسکو کمک کنند. امسال او توانسته به اتکای تجربه قدیمی‌های روستا، چهار دستگاه از آسبادها را احیا کند. دیدن چرخش پره‌های آسبادها چیزی است که گردشگران را محو خود می‌کند. همین باعث شده است گردشگران زیادی از نقاط مختلف کشور برای بازدید آسبادها رنج مسافت طولانی تا خراسان را به جان بخرند. مجموعه آسبادهای نشتیفان در سال ۱۳۸۱ به ثبت ملی رسیده است. جست‌وجو در اخبار قدیمی نشان می‌دهد تهیه پرورده ثبت جهانی آسبادهای «خواف» در سال ۱۳۹۲ کلید خورده است.

باد میوه نشتیفان است

با «هومن بزم‌آرا»، فعال گردشگری، در بافت هم‌قدم می‌شوم. هومن، زاده نشتیفان است و در رشته جغرافیا تحصیل کرده. او آسبادها را به‌عنوان موضوع پایان‌نامه کارشناسی ارشد انتخاب کرده وپس از سپری کردن دوره تحصیل، بایند نشتیفان و آسبادهایش شده است. هومن، ارتباط خوبی با اهالی نشتیفان دارد و با قدیمی‌های روستا هم‌صحبت می‌شود. در معاشرت با آنان زیربوم کار با آسبادها را یاد گرفته است. می‌گوید آسبادها تا اواخر دهه ۶۰ شمسی کار می‌کردند. زمانی که پای بوق به نشتیفان -که آن زمان روستا بوده- باز شده، کم‌کم آسبادها از رونق افتادند.

فرونشست، صدای فروریختن یک سرزمین



امیر عرابم رازی

امیر علوم زمین و مدرس دانشگاه

آنتروپوس؛ عصری که انسان فصل تازه‌ای را بر زمین می‌نویسد. آنتروپوس، نام عصر نوینی‌ست که زمین‌شناسان دیر پا زود آن را در تقویم زمین ثبت خواهند کرد؛ عصری که در آن انسان نه‌فقط ساکن سیاره، که نیروی زمین‌ساز شده است. رد تصمیم‌های ما اکنون در لایه‌های رسوبی دیده می‌شود؛ در خاکی که فرسوده شده‌است، در دریاچه‌هایی‌که رنگ باخته‌اند و در رودهایی‌که به رشته‌ای از خاطره بدل شده‌اند. اگر عصرهای زمین‌شناسی گذشته را یخ‌ها و آتشفشان‌ها ساخته بودند، امروز این انسان است که فصل تازه‌ای را رقم می‌زند، فصلی که شاید بهتر باشد آن را «عصر پیامدهای انسان» بنامیم؛ عصری که زمین، هر روز با زبانی تازه، به ما هشدار می‌دهد. فعالیت‌های ما، عمدی یا ناخواسته، ریتم طبیعت را تغییر داده‌اند؛ اقیانوس‌ها دیگر همان آهنگ گذشته را نمی‌زنند، بادها مسیر همیشگی خود را گم کرده‌اند و زمین، با همه لایه‌های صبور و تاریخ‌نگار خود، زیر اثر تصمیم‌های ما تغییر کرده است. این دوران، که آغاز آن غالباً حوالی انقلاب صنعتی در نظر گرفته می‌شود، فراتر از هولوسن است؛ دورانی که نشان می‌دهد انسان می‌تواند مسیر زمین‌شناختی سیاره را دگرگون کند. شواهد در لایه‌های رسوبی، ترکیبات شیمیایی هوا و آب و حتی در اقطارض گونه‌ها نوشته شده‌اند؛ حکایتی خاموش از نفوذ عمیق ما بر زمین.

جامعه

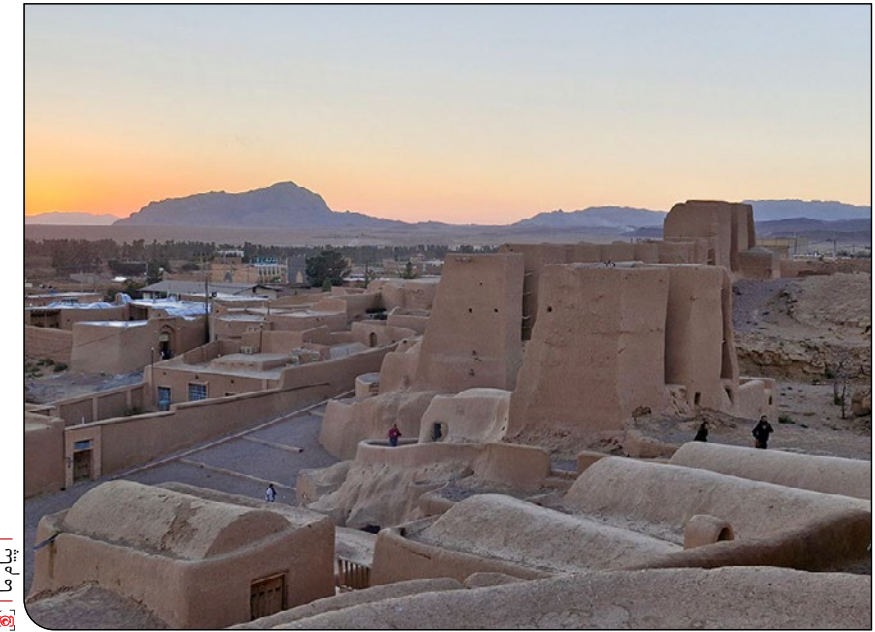
👉



سه سال بعد یعنی در بهمن ۱۳۹۵ آسبادهای ایران در سه استان خراسان‌رضوی، خراسان جنوبی و سیستان‌وبلوچستان در فهرست موقت میراث جهانی یونسکو قرار گرفته، اما هنوز به ثبت جهانی نرسیده. شاید تعدد و پراکندگی این سازه‌های بادی در سه استان فرایند تکمیل پرورده را طولانی‌تر کرده است. تنها در سه شهر شه‌ریستان خواف (خواف، نشتیفان و سنگان) و چهار روستای آن (خرگرد، تیزاب، مهرآباد و برآباد) ۱۲۱ دستگاه آسباد وجود دارد و نکته قابل‌توجه این است که بیشترین تعداد آسبادهای ایران در خراسان جنوبی قرار دارد.

آسبادها جاذبه گردشگری نشتیفان

گرومای خراسان جانسوز است و سرمایه‌ش



تالاب‌ها

یادداشت

آنتروپوس در ایران؛ وقتی انسان، سرعت طبیعت را برهم می‌زند

ایران امروز نمونه‌ای واضح از شتاب‌گرفتن روندهای زمین‌شناسی است؛ پدیده‌هایی که در گذشته هزاران سال طول می‌کشیدند، اکنون در چند ده‌خ می‌دهند. فرونشست شتاب یافته، فرسایش سرعت گرفته، بیابان‌زایی گسترده شده، تغییر اقلیم تشدیدکننده است و ناپایداری سرزمین گسترش یافته است. در عصر آنتروپوس، انسان به نیرویی تبدیل شده که زمین را شکل می‌دهد، اما نه به‌مثابه سازنده، بلکه به‌عنوان نیرویی شتاب‌دهنده فرسودگی.

راه‌حل‌ها نیز صرفاً مهندسی نیستند؛ بخشی از آنها فرهنگی، مدیریتی و حتی اخلاقی‌اند. بازگشت به مدیریت سنتی آب از طریق احیای قنات‌ها و حقاچه‌ها، امروزه بیش از هر زمان دیگری جنبه‌ای مدرن یافته است. همچنین، احیای پوشش گیاهی، افزودن بر کارکرد محیط‌زیستی، اقدامی ژئومورفولوژیک به شمار می‌رود. توقف توسعه بی‌محابا روی گسل‌ها و ریزانه‌ها ضروری است؛ زیرا جایی که زمین ناپایدار است، خانه‌ها نیز ناپایدار خواهند بود. مدیریت ملی تالاب‌ها، نه صرفاً استانی یا منطقه‌ای، اهمیت دارد؛ چراکه خشکیدن یک تالاب تنها تغییر یک اقلیم محلی نیست، بلکه تغییر یک «سیستم زمین» است. همچنین، بازنگری در شیوه‌های کشاورزی حیاتی است؛ زیرا ایران کشوری نیست که بتواند با برداشت آب ژرف یا چاه‌های عمیق، بقا پیدا کند.

پیام زمین را بشنویم، پیش از آنکه به سکوت ابدی فرورود
زمین همیشه پیش از بحران هشدار می‌دهد، اما هشدارهایش را در خاک می‌نویسد، نه در روزنامه؛ در فروچاله‌ها، نه در تپه‌ها؛ در تالاب‌های خشکیده، نه در گزارش‌ها. امروز، سنگ‌ها و خاک ایران در سکوتی سنگین، پیامشان را تکرار می‌کنند؛ سرزمین حافظه دارد و حافظه‌اش دارد پاک می‌شود. اگر ما این پیام را نشنویم، نسل‌های بعد خواهند گفت.

نه اینکه زمین تغییر کرده است؛ این ما بودیم که گوش نکردیم.

در تابستان وزستان به این خطه بیایند، از میان بهار و پاییز هم، پاییز فصل مناسب‌تری است؛ چراکه در کنار سایر جاذبه‌ها امکان دیدن برداشت زرشک و زعفران -مهم‌ترین محصولات کشاورزی این منطقه- فراهم است. دیدن برداشت زعفران در سرمای صبحگاه وشاخه‌های پرپار درخچه‌های زرشک شادی مضاعف است. بعید است به خراسان سفر کنی و سراغی از آسبادهای نشتیفان نگیری. آسبادهایی‌که در دل شهر جای دارند.

فارغ از موضوع مهم ثبت این آثار ارزشمند در فهرست جهانی یونسکو که در حال طی کردن مسیر خود است، برای جلب توجه ملی و بین‌المللی به موضوع آسبادها، وجود تأسیسات گردشگری وثأمین خدمات

سازمان میراث جهانی یونسکو، وزارت میراث فرهنگی، صنایع و معادن، استانداری خراسان جنوبی و سایر دستگاه‌های ذیربط، باید با همکاری و هماهنگی، اقدامات لازم را برای احیای و حفاظت از این میراث جهانی انجام دهند. همچنین، باید با همکاری و هماهنگی، اقدامات لازم را برای احیای و حفاظت از این میراث جهانی انجام دهند.

سازمان میراث جهانی یونسکو، وزارت میراث فرهنگی، صنایع و معادن، استانداری خراسان جنوبی و سایر دستگاه‌های ذیربط، باید با همکاری و هماهنگی، اقدامات لازم را برای احیای و حفاظت از این میراث جهانی انجام دهند.

سازمان میراث جهانی یونسکو، وزارت میراث فرهنگی، صنایع و معادن، استانداری خراسان جنوبی و سایر دستگاه‌های ذیربط، باید با همکاری و هماهنگی، اقدامات لازم را برای احیای و حفاظت از این میراث جهانی انجام دهند.

سازمان میراث جهانی یونسکو، وزارت میراث فرهنگی، صنایع و معادن، استانداری خراسان جنوبی و سایر دستگاه‌های ذیربط، باید با همکاری و هماهنگی، اقدامات لازم را برای احیای و حفاظت از این میراث جهانی انجام دهند.

سازمان میراث جهانی یونسکو، وزارت میراث فرهنگی، صنایع و معادن، استانداری خراسان جنوبی و سایر دستگاه‌های ذیربط، باید با همکاری و هماهنگی، اقدامات لازم را برای احیای و حفاظت از این میراث جهانی انجام دهند.

سازمان میراث جهانی یونسکو، وزارت میراث فرهنگی، صنایع و معادن، استانداری خراسان جنوبی و سایر دستگاه‌های ذیربط، باید با همکاری و هماهنگی، اقدامات لازم را برای احیای و حفاظت از این میراث جهانی انجام دهند.

سازمان میراث جهانی یونسکو، وزارت میراث فرهنگی، صنایع و معادن، استانداری خراسان جنوبی و سایر دستگاه‌های ذیربط، باید با همکاری و هماهنگی، اقدامات لازم را برای احیای و حفاظت از این میراث جهانی انجام دهند.

تالاب‌ها، آینه‌هایی که رنگ از چهره‌شان پریده است
وقتی یک تالاب خشک می‌شود، فقط آب نیست که می‌رود، زمین‌شناسی منطقه تغییر می‌کند؛ نمک‌زراها گسترش می‌یابند، بادها مسیرهای جدید پیدا می‌کنند، پیشروی ریزگردها شتاب می‌گیرد و ژئومورفولوژی سرزمین چروکی تازه بر خود می‌نویسد. مه‌لرلو، بختگان، گاوخونی، پیرشان و... هرکدام نه یک نقطه خشک، بلکه یک زخم در حافظه زمین‌اند. تالاب‌ها همیشه آینه ما بوده‌اند. امروز اما این آینه‌ها ترک خورده‌اند و تصویر ایران آینده را با صداقتی ترسناک نشان می‌دهند.

پیام سنگ‌ها؛ لایه‌ها هیچ‌گاه دروغ نمی‌گویند
سنگ‌ها، صبورترین شاهدان زمین‌اند؛ آنها نه سیاست می‌شناسند، نه وعده می‌دهند و فقط واقعیت را ثبت می‌کنند. پیام سنگ‌های ایران امروز روشن است: سنگ‌ها فعال‌تر و حساس‌تر شده‌اند و ساخت‌وساز بی‌رویه روی پهنه‌های گسلی این حساسیت را تشدید کرده است. کوه‌ها فرسوده‌تر شده‌اند و بی‌پناه‌ترند؛ تخریب پوشش گیاهی باعث شده است هر باران به سیل تبدیل شود و زمین نتواند خود را حفظ کند.

بیابان‌ها نه از سر روند طبیعی، بلکه زیر فشار انسان و تغییرات محیطی بزرگ‌تر شده‌اند و باد‌های ۱۲روزه حالا میراث‌دار سرزمینی هستند که خاکش سبک‌تر و بی‌جان‌تر شده است. حتی رسوبات و سنگ‌ها، که سال‌ها آب را در خود ذخیره می‌کردند، اکنون زیر برداشت بی‌رویه و خشکسالی توان تنفس خود را از دست داده‌اند. زمین واقعیت را ساده بیان می‌کند: هر تغییری، نتیجه تغییری دیگر است.



-تاریخچه

-تاریخچه

مورد نیاز گردشگران در مجاورت آسبادها حائز اهمیت است. به نظر می‌رسد آنچه آسبادهای نشتیفان را در بین سایر آسبادهای ایران شناخته‌شده‌تر کرده؛ در درجه اول وجود جمعیت ساکن در کنار آن و سپس وجود تأسیسات گردشگری و تأمین خدمات مرتبط با آن توسط افراد محلی به‌گونه‌ای کاملاً قابل‌قبول است. نشتیفان در حال حاضر دارای سه اقامتگاه بومگردی، سه گروه موسیقی (شمس، ناطقی، حتن) چهار گروه رقص‌های آیینی (سه گروه در خواف و یک گروه در نشتیفان) و سه بلد محلی (دو نفر در نشتیفان و یک نفر در خواف) است.

با صاحبان اقامتگاه که صحبت می‌کنی متوجه می‌شوی که در نگاهشان به گردشگری، به پایداری در توسعه گردشگری توجه ویژه دارند. رحیم‌زاده صاحب اقامتگاه «شمیرون» می‌گوید: «برای ما کیفیت ارائه خدمات و رضایت گردشگران اهمیت زیادی دارد. ما مشتری وفادار می‌سازیم و دوست داریم کسی که به نشتیفان می‌آید، دوباره به اینجا برگردد.» او از رابطه خوب با سایر اقامتگاه‌داران می‌گوید و اینکه در روزهای شلوغی، بده‌ویستان مسافر با هم دارند.

وجود این تأسیسات و خدمات باعث شده ضریب توقف و ماندگاری گردشگر در نشتیفان بالا باشد. در اینجا علاوه بر بازدید از آسبادها و موزه‌گردنم، می‌توانید جای آتشی بنوشید و از نوای دلنواز دوتار و موسیقی خراسانی در حیاط اقامتگاه لذت ببرید، به تماشای رقص محلی خراسانی -چوب‌بازی و حتن (یک رقص حماسی)- بنشینید، سری به فروشگاه‌های صنایع‌دستی مستقر در پای آسبادها بزنید تا هنر دست زنان نشتیفان را که به سنت مادران خود گلدوزی‌های بسیار زیبایی بر بخت و لباس نقش کرده‌اند، به تماشای بنشینید. برخی است چیزی برای خرید به چشمتان نایید.

یادداشت

روایتی از مردم‌داری و مسئولیت‌پذیری یک پهلوان



ا فاطمه رازی پورا

«کارشناس موزه‌داری |

به‌عنوان موزه‌داری که سال‌ها در فضای میراث‌فرهنگی فعالیت کرده‌ام، نمایشگاه‌هایی را دیده‌ام که هرکدام در حد توان خود بخشی از تاریخ را روایت می‌کنند؛ اما کمتر نمایشگاهی مانند «آقا تختی» توانسته است میان اخلاق، هویت ملی، روایت ورزشی و ارزش‌های فرهنگی پلی روشن بزند. این نمایشگاه در کتابخانه و موزه ملی ملک برای من فقط یک رخداد فرهنگی نبود؛ بلکه تجربه‌ای بود از اینکه چگونه می‌توان یک موزه را از سطح نمایش اشیا به جایگاهی برای گفت‌وگوی جدی درباره پهلوانی، انسانیت و هویت ایرانی-اسلامی تبدیل کرد.

برگزاری این نمایشگاه در موزه ملک ریشه در هویت وقتی این مجموعه دارد. بخش مهمی از یادگارهای جهان‌پهلوان تختی سال‌ها پیش به آستان قدس رضوی اهدا و در موزه‌های وابسته به این نهاد نگهداری شد. ازتجاکه آثار وقتی امکان جابه‌جایی آزادانه ندارند، بررسی‌های متعدد و مذاکرات کارشناسی انجام شد تا بستری مناسب برای نمایش این آثار در تهران فراهم شود. درنهایت تصمیم بر این شد که موزه ملی ملک به‌عنوان میزبان و طراح روایت نمایشگاه، و دو مجموعه دیگر -موزه آستان قدس رضوی و موزه کمیته ملی المپیک- در جایگاه تأمین‌کنندگان آثار همکاری مشترکی را شکل دهند. اما دلیل اصلی برگزاری این نمایشگاه تنها در داشتن آثار خلاصه نمی‌شود. ما در ملک به‌دنبال بازخوانی شخصیت تختی به‌عنوان یک پدیده فرهنگی بودیم؛ نه صرفاً یک قهرمان ورزشی. این نگاه با مسیر تازای که موزه در سال‌های اخیر دنبال کرده، هماهنگ است: تبدیل موزه از مخزن اشیا به

داستان محیا و پاگرفتن گروه‌های تولید صنایع دستی

داستان‌های توسعه در همه‌جای دنیا هیجان‌انگیزند. داستن اینکه اولین نفر، یا نفرها چه کسانی بودند که به فکر افتادند کاری را آغاز کنند که تغییری در راستای خیر یا منفعت جمعی باشد؛ جذاب و خواندنی است. گاهی هدف یا اهداف در آغاز راه برای فرد یا گروه شروع‌کننده چندان شفاف و مشخص نیست. اما ارزش کار این افراد، در شروع کردن در فضای پرلپام است. گاهی جرعه تغییر از بیرون از یک جامعه محلی زده می‌شود. گاه فرد یا افرادی از یک جامعه محلی، پتانسیلی بالقوه را می‌یابند که می‌توان با خواست جمعی آن را بالفعل کرد.

پروژه‌های توسعه‌ای برای ایران در سطح ملی و بین‌المللی کم تعریف نشده است. زمانی که ارتباطات بین‌المللی ما اوضاع بهتری داشت، پروژه‌های زیست‌محیطی حفاظت‌محوری در نقاط مختلف کشور تعریف شد که در تکمیل و پیوند با آنها، فعالیت‌های توانمندساز در سطح محلی تعریف و تغییراتی در حوزه گردشگری و صنایع‌دستی پا گرفت. مثال آن «ترسیب کریس» است که پروژه‌ای مشترک بین دولت ایران و برنامه توسعه ملل متحد (UNDP) بود. البته پروژه‌های سطح ملی هم کم نبودند. نمونه آن پروژه منظومه‌های روستایی است که در بنیاد مسکن شکل گرفت. اما فارغ از نقطه شروع این پروژه‌ها، زمانی که تغییری در یک مکان حاصل یک حرکت فردی نباشد یا قائم به جمع و مبتنی بر دانش بومی و نیاکانی باشد و وابسته به دولت نباشد؛ احتمال پایداری و دوام آن بیشتر و دانستاش شنیدنی است.

نشتیفان غیر از روایت آسبادها و موسیقی و باد، روایت دیگری هم دارد؛ روایت زنانی که با کمک صنایع‌دستی تکمیل‌کننده حلقه جاذبه‌های گردشگری این منطقه شدند. زنان نشتیفانی برای زنده نگه‌داشتن میراث مادران خود، در سه گروه کاری شامل مادربزرگ‌ها، مادران و نوه‌ها در حال تولید صنایع‌دستی هستند. آنها مدام از مخاطبان بازخورد می‌گیرند و به‌خوبی در پیاده‌سازی نظر مخاطب بر نوع محصولاتی که تولید می‌کنند، توانمند شده‌اند.

«محیاگره‌گشا» در کنار خانم‌ها «سجودی» و «طریقت» سه زنی هستند که در نشتیفان بنای آغاز و توسعه فعالیت‌های صنایع‌دستی گذاشته‌اند. هر کدام با همکاری تعدادی از زنان نشتیفان، رنگ‌بویی متفاوتی به فضای گردشگری این شهر بخشیده‌اند. داستان شکل گرفتن فعالیت‌هایشان را از زبان محیا می‌شویم. زنی جوان که در حال حاضر با حدود ۳۰ نفر از زنان نشتیفان، یکی از گروه‌های فعال حوزه صنایع‌دستی این شهر را شکل داده‌اند.

محیا می‌گوید: «مادرم از قدیم خیاط حرفه‌ای بود. عکس‌های بچگی‌ام هر کدام با یک لباس تشنگ از هنرهای او است. بعد به دنیا آمدن من ۱۰ سال خیاطی کرد و بعد رها کرد. با «آس‌گل» دوباره با عشق کارش را شروع کرد.» آس‌گل نام گروهی از زنان است که محیا مدیریت آن را برعهده دارد. آس را از آسباد گرفته‌اند و گل را از گلدوزی.

بزم‌آرا، راهنمای محلی نشتیفان، همسر محیا است. به‌گفته محیا، هومن به‌همراه یکی دیگر از زنان اهل نشتیفان، اولین کسانی بودند که در حوزه صنایع‌دستی این شهر شروع به کار کردند. در آغاز، هومن فروشگاهی را به‌همراه یکی از دوستانش در پای آسبادها اجاره کردند و شروع کردند به فروختن سفال. در گذار زمان و با حضور گردشگران، مردم می‌پرسیدند صنایع‌دستی منطقه خودتان چیست؟

پس آمدند پرده‌های قدیمی را که در خانه بود و

تعدادشان کم نبود؛ جمع کردند و از آنها تابلو ساختند.

پرده‌های قدیمی همان‌هاست که طرح‌های ذهنی به‌صورت گلدوزی رنگارنگ روی پارچه‌ای سفید نقش می‌بندد و تقریباً در صندوقخانه همه مادربزرگ‌ها یکی از آنها دیده می‌شود. محیا می‌گوید: «پرده‌ها و تابلوهایی که از آنها ساختیم، زمانی داشت و گذشت. بعد از آن، لباس‌های محلی و جلیقه‌ها را دوختیم. در این فاصله زنی بود که محصولات چرم تهیه می‌کرد؛ هم مغازه صنایع‌دستی را می‌چرخاند و هم کارهای چرمش را می‌آورد. اما مدتی دچار دوره رکود شدیم. کار صنایع‌دستی را متوقف کردیم و فقط سفال می‌فروختیم.»

او تعریف می‌کند که در این بین کنکور شرکت کرده است؛ «من درگیر کنکور شدم. مدتی آقای پوریعقوب (صاحب اقامتگاه پوریعقوب در نشتیفان) به سفارش «روستاتیش» (پلتفرم توسعه و فروش محصولات روستایی که مأموریت خود را توانمندسازی جوامع روستایی تعریف کرده) برای اولین‌بار آمدند و سفارش گلدوزی روی دستمال‌های قدیمی دادند؛ سی چهل سفارش. همین باعث شروع دوباره کار شد. بعد از آن، خانمی که مدت کوتاهی در اینستاگرام کار می‌کرد، به آقای پوریعقوب سفارش کار داد. تعدادی لباس الیاف طبیعی فرستاده بود و خواسته بود با گلدوزی طرح‌های ذهنی تزیین شوند، مثل پرده، لباس‌ها را در گالری‌ای در تهران به فروش می‌رساندند.

محیا می‌گوید: «دو سه سالی از سفارش روستاتیش گذشته بود که فردی به‌نام «مهرناز نجاتی» که معلم هنر بود، از تهران آمد و مهمان ما شد. ارتباط صمیمانه‌ای با او گرفتم. آن شب نقطه‌عطف شروع کار من بود؛ چهار سال پیش. عروسک‌های بیرجند را هم آورده بود. اتاق او پر بود از عروسک‌هایی که از موزه عروسک بیرجند آورده بود. به من گفت باید بروی دنبال احیای عروسک‌های منطقه خودتان. آن شب درحقی‌ای در ذهنم زده شد. برای اولین‌بار روی پارچه‌های رنگی کار کردم؛ به‌لحاظ جنس پارچه بهتر از کارهای قبلی بود. شروع کردم به تولید محتوای بهتر در فضای مجازی. اوایل برابم سخت بود و نمی‌دانستم دقیقاً چه کاری انجام می‌دهم. ۱۰ لباس درست کردم. حتی جایی برای فروش نداشتم. نمی‌دانستم محصولاتمان خوباند یا نه، نمی‌دانستم استقبال می‌شود یا نه.»

ادامه ماجرا را محیا این‌طور روایت می‌کند: «یک‌بار توری را «افسانه احسانی» آورده بود به نشتیفان.» او را به‌عنوان مدرس گردشگری، مجری تعدادی از پروژه‌های توسعه‌ای در کشور و احیاکننده عروسک‌های بومی با کمک محلی‌ها می‌شناسیم؛ «من ۱۰ لباس و رومیزی‌هایی که با پارچه‌های جدید و طرح‌های بهتر کار کرده بودیم را برای مسافران آن تور بردم. همه فروش رفت. این نقطه‌عطف دیگری برای من شد و فهمیدم که این کار جای مانور دارد.»

او از دیگر سختی‌های کار هم می‌گوید: «در آغاز واقعاً سخت بود؛ برای قیمت‌گذاری، برای گسترده‌تر کردن کار و یاد دادن به افراد جدید، برای جمع کردن زنانی که همکاری می‌کردند.»

خودم مسئول سروسیس رفت‌وبرگشتشان شدم و تک‌به‌تک را می‌آوردم و می‌بردم. هنر گلدوزی را به‌صورت رایگان به آنها یاد می‌دادم. در مواردی می‌قتیم هزینه آموزش و مربی را بعد از پایان آموزش بپردازید. این‌گونه شبکه‌ای از هنرچوها شکل گرفت و کم‌کم نیروی کارمان بیشتر شد و رسیدیم به ۱۰ نفر شرایط بهتر شد و هنرچوها شروع کردند به آموزش این هنر به اطرافیانشان.»

حالا داستان به جاهای خوب رسیده؛ «بعد از یک سال سخت، دیگر به نقطه‌ای رسیده بودیم که افراد تماس

می‌گرفتند که من هم این گلدوزی را یاد گرفتم، برای من هم کار باور بر روز به جمع علاقه‌مندان به این کار اضافه می‌شد. یکی از گروه‌های همکار هشت همسایه‌اند که یکی‌یکی به همدیگر آموزش داده‌اند. اوایل فقط خانم‌های مسن می‌آمدند و بعد دختران جوان هم تمایل نشان دادند. درحال حاضر، دختر ۱۴-۱۵ساله هم در گروه داریم.»

مادرم قلب کار است

محیا از نقش مادرش هم می‌گوید: «راستی مادرم قلب کار است. پشت صحنه همه قشنگی‌های کارمان. هر روز با هم فکر می‌کنیم و ایده‌هایمان را کنار هم می‌گذاریم و مادرم شروع می‌کند به دوختن یک مدل جدید.» اما محیا تنها از حضور مادرش برای پیدا کردن رنگ و نقش‌های قدیمی بهره نبرد.

او می‌گوید در حال حاضر ۳۰ نفر از زنان نشتیفان به‌صورت ثابت با او همکاری می‌کنند و ۱۰-۱۵ نفر نیز در زمان اوج زمان حضور گردشگر، به گروهشان اضافه می‌شود. در بین این افراد چهار خیاط، ۲۵-۳۰ نفر گلدوز و سه طراح حضور دارند. غیر از این، طریقت و سجودی نیز گروه خودشان را دارند. محصولات گروه آس‌گل در فروشگاه‌ی پای آسبادها به گردشگران ارائه می‌شود.

او درباره محصولات که در حال حاضر تهیه می‌کنند، می‌گوید: «محصولاتمان در حال حاضر شامل لباس‌ها، دکوراسیون خانه (کوسن، رانر، رومیزی)، عروسک‌های محلی، کیسه کوچک، دستبند، گوشواره، اکسسوری انواع مختلف، گیره مو، ساک دستی و هر آنچه قابل گلدوزی باشد، است.» محیا درباره میزان وفاداری و طرح‌های سنتی و قدیمی خود در ساخت و تولید صنایع‌دستی می‌گوید: «گاهی به طرح‌های قدیمی منطقه وفاداریم و گاهی نه؛ چون سلیقه‌های مختلف در نظر می‌گیریم. بعضی طرح‌ها دقیقاً همان طرح قدیم است. در برخی دیگر تنها از طرح‌های قدیمی الهام می‌گیریم و رنگ‌بندی یا ظرافت کار را تغییر می‌دهیم و در برخی موارد طرح عوض شده است. طرح‌های مختلف را امتحان می‌کنیم؛ طرح پاییز، طرح اسلیمی، طرح‌های اصیل قالیچه‌های خراسان، فرش‌های قدیمی ایران، طرح دوتار، طرح محصولات خراسانی مثل زعفران، زرشک و گندم.»

محیا از دغدغه‌هایش هم می‌گوید: «دنبال منبعی هستم از طرح‌های اصیل ایرانی. مثلاً طرح‌هایی که روی کوزه‌های قدیمی ایران بوده، طرح‌های تخت‌چمشید و طرح‌هایی که نشانی از اصالت فرهنگی ایرانیان باشد. دوست دارم این طرح‌ها را پیدا کنم و با گلدوزی روی لباس و وسایل مختلف آنها را کار کنم. هنوز کتاب خاصی پیدا نکرده‌ام و فقط براساس شنیده‌ها کار می‌کنم. مثل طرح فرش پازیریک که فرش دوره هخامنشی است یا گل و سروهای نقوش تخت‌چمشید.»

محیا یکی از بسیار زنانی است که نه تنها دغدغه حفاظت از میراث‌فرهنگی کشور را دارد، بلکه با مشارکت گرفتن از دیگر زنان نشتیفان، فضای معناداری برای فعالیت‌های زنان و تکمیل حلقه گردشگری در نشتیفان ایجاد کرده است. در مسیر فعالیت‌هایشان نباید از همفکری، آموزش و معرفی‌ای که روستاتیش، مهرناز نجاتی و افسانه احسانی داشته‌اند، غافل ماند و باید تلاش و مداومت دختران، مادران و مادربزرگ‌های نشتیفانی را در توسعه فضای گردشگری این میراث ارزشمند ارج گذاشت. موضوع حائز اهمیت در نشتیفان، انتقال تجربه از قدیمی‌ها و افراد مسن‌تر به جوان‌ترها است؛ چه در صنایع‌دستی، چه در دوتارنوازی و رقص محلی.

فزارش |

نمایشگاه «آقا تختی» در موزه ملک افتتاح شد

بازگشتِ جهان‌پهلوان به قلب تهران

نمایشگاه «آقا تختی» در روز یکشنبه، ۹ آذر، در موزه و کتابخانه ملک افتتاح شد. در این نمایشگاه مدال‌ها و همچنین تصاویر کم‌تردیده‌شده از ورزشکار مشهور ایران به نمایش گذاشته شد. غلامرضا تختی برای مردم ایران فقط یک ورزشکار نیست، بلکه الگوو نمادی از پهلوانی است. پهلوان تختی با توجه به محبوبیت و منش و اخلاقش، از شخصیت‌های معاصر ماندگار در حافظه ملی است و برگزاری این نمایشگاه می‌تواند باعث آشنایی بیشتر جوانان با او شود. استفاده از روزنامه‌ها و مجلات قدیمی با محوریت غلامرضا تختی، عکس‌های دیرین از تختی، ماکت‌های فرضی سکوی قهرمانی و نوشته‌هایی که تاریخ زندگی او را به‌طور خلاصه بیان می‌کند، بر جذابیت این نمایشگاه می‌افزاید و می‌تواند به جذب مخاطبان زیادی، به‌ویژه نسل جدید، منجر شود. این نمایشگاه که در ۹ آذر افتتاح شد، به‌مدت شش ماه یعنی تا ۳۰ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۵ دایر است.

در آیین افتتاح این نمایشگاه «فاطمه رازی پور»، کارشناس مسئول نمایشگاه ملک، گفت: «برنامه ما این بود ورزشکاری را معرفی کنیم که جلوه فراگیری در جامعه داشته باشد و غلامرضا تختی تمام ویژگی‌های مد نظر را داشت.» قبل از این نمایشگاه، نمایشگاه دیگری با نام «فرزود هشت» در کتابخانه ملی ملک برگزار شده بود که آثار اهدا شده به حرم مطهر رضوی را به نمایش گذاشته شده بود.

به‌گفته رازی‌پور قرار بود نمایشگاه در زمان تولد غلامرضا تختی افتتاح شود، اما نژمان بر بودن آماده‌سازی فضا از لحاظ عمرانی، تهیه کردن محتوا، انتقال آثار از کمیته ملی المپیک و آستان قدس به موزه ملک و همچنین الزام حضور رئیس کمیته ملی المپیک باعث به تأخیر افتادن افتتاحیه شد. او گفت: «علاوه‌بر آثاری که از آستان قدس رضوی گرفته شده که شامل مدال‌ها و بازوبند قهرمانی تختی است، یکسری وسایل شخصی نیز از موزه کمیته ملی المپیک به امانت درآمده که شامل

۳

یادداشت |

تهران بغض دارد



|مسعود امیرزاده|

|فعال محیط‌زیست |

چهره‌ای گرفته و پر از دودی وهم‌آلود و مبهم اما به‌طور قطع آلوده و هراسناک، سمیای شهری است که در یکی‌دو دهه پیش در همین ایام غرق در برف و باران بود. تهران پایتختی تاریخی غنوده در پای توچال بلندقامت و بادی که از غرب به شرق تن او را نوازش می‌داد، حال گرفتار آبریی از سرب و سرطان و سم است که چون دیوبی بر سینه او منبره زده و گلویش را رها نمی‌کند. چه غمزده است این شهر و چه خسته است این شهر! اما آلودگی تنها درد بی‌دیران این شهر نیست، بحران نبودن آب در پشت لوله‌های خانه‌هایش لحظه‌شماری می‌کند. همین تهرانی که به قیمت داشتن آب برای خود، شهرویار و ورامین و کرج و غرب و شرق خود را تشنه و زمین‌گیر کرده، حال دست از نیاز به‌سمت طالقان و خقابه دشت قزوین دراز کرده و در جست‌وجوی قربانی بعدی خود است.

تهران با همه مشکلات زیست‌محیطی و کسری منابع و البته اجتماعی خود باید هزینه‌های سردرگم و بی‌حساب‌و‌کتاب یک دستگاه را هم بدهد؛ شهرداری تهران!

دستگاهی بسیار پرهزینه و با مسائل مالی متعدد و حل‌ناشده در طی چند دهه که از طرف مختلف برای تأمین پیکره فریه و ناکارآمد خود زخم‌های بیشتری بر تهران فرود می‌آورد. این‌هم از شگفتی نظام مدیریتی در این کشور است که دستگاهی که قاعدتاً باید عهده‌دار مدیریت شهر و حل مسائل آن باشد، به یکی از چالش‌های جدی آن تبدیل شده است.

پروژه‌های پیمانکاری غیرضروری همه‌جای شهر دیده می‌شود. جدول‌هایی که هنوز سالم‌اند، هر روز کنده و عوض می‌شوند. هیچ‌کس نمی‌پرسد این نخاله‌ها کجا می‌روند و کدام دشت و زمین را دوباره زیر خاک و سیمان می‌برند. کسی نمی‌پرسد این هزینه‌ها از کجا می‌آید و چرا باید یک شهر این بار مالی را تحمل کند. کدام بخش از کشور با همین شهر باید تاوان این رفتارهای تهاجمی را بدهد؟

چه نیازی است که شهرداری به جان جوی‌های آب بیفتد و آنها را با هزینه‌های سنگین سنگ و سیمان بپوشاند؟ چه ضرورتی دارد میدان‌هایی که برخی‌شان بخش مهمی از حافظه مردم‌اند، خراب شوند و دوباره ساخته شوند.

شهرداری که امروز با فروش فضای شهر و خون‌پهای درختان دنبال درآمد است، چرا باید پیمانکاران را بیشتر تقویت کند و همچنان این چرخه تباهی و مالی نامعلوم را ادامه دهد؟ چرا در شهری که قریب به یک سال برای یک باران ساده چشم به آسمان خیره است، باید هر سال سنت توزیع مغموم و بیخ‌آلود است.

خیالی را با هزینه‌گزارف تکرار کند؟ آیا این نمک‌پاشی‌ها جز آلوده کردن خاک و آب و نابودی درخت‌ها و البته منفعت‌عدای سوداگر، کارایی و ضرورت دیگری دارد؟ چه کسانی پشت این قراردادها هستند و چرا این چرخه تمام نمی‌شود؟

آیا در این کشور نظارتی وجود ندارد. آیا کسی نیست بپرسد چرا شهرداری باید این‌طور به جان شهر بیفتد و با سازوکارهای مبهم و احتمالاً فاسد، زندگی تهران را سخت‌تر و آینه‌دش را خراب کند.

تهران یکی از خسته‌ترین و گرفته‌های شهرهای ایران و بلکه جهان است و برخلاف عبارت تملق‌آمیز «تهران دوست‌داشتنی» به‌بیم نامدیریتی‌ها، فسادها و تکرار مسیبه‌ای نادریست شهری همواره مغموم و بیخ‌آلود است. واقعیت‌ها را ببینید و دیوارهایتان را به حقیقت آراسته کنید.

| خبر |

کاخ نیاوران میزبان تصاویر «خودروهای سلطنتی قاجار تا پهلوی»

نمایشگاه تصویری «خودروهای تشریفاتی ایران؛ روایتی از عصر قاجار تا پهلوی» در موزه خودروهای اختصاصی مجموعه فرهنگی‌تاریخی نیاوران آغاز به کار خواهد کرد. این نمایشگاه که با بهره‌گیری از تصاویر و اسناد تاریخی از آرشپو «برزو سیاسی» تاریخ‌نگار و پژوهشگر حوزه خودرو، به بررسی سیر تحول خودروهای تشریفاتی در دربار ایران از دوره قاجار تا پایان عصر پهلوی می‌پردازد، از ۱۶ آذر تا ۱۶ دی در موزه خودروهای اختصاصی نیاوران برگزار می‌شود.

در حاشیه این نمایشگاه، نشست تخصصی با موضوع «خودروهای تشریفاتی ایران از عصر قاجار تا پهلوی» با سخنرانی برزو سیاسی، پژوهشگر حوزه خودرو روز چهارشنبه ۱۹ آذرماه در سالن کنفرانس مجموعه نیاوران برگزار خواهد شد. این نشست برای عموم علاقه‌مندان آزاد بوده و با هدف تبیین نقش خودروهای تشریفاتی در تاریخ معاصر ایران و آشنایی علاقه‌مندان با پشت‌صحنه تحولات این حوزه برنامه‌ریزی شده است.

علاقه‌مندان می‌توانند از ۱۶ آذرماه به‌مدت یک‌ماه از این نمایشگاه در موزه خودروهای اختصاصی نیاوران بازدید کنند و برای شرکت در نشست تخصصی، روز ۱۹ آذرماه ساعت ۱۳ تا ۱۳ در سالن کنفرانس مجموعه حضور داشته باشند. ایسنا



ویلاسازی گسترده یا توسعه عمودی هوشمند؟ انتخاب سرنوشت‌ساز برای مازندران



احمد قاسمی

بحث بلندمرتبه‌سازی در مازندران به یکی از موضوعات حساس و چالش‌برانگیز تبدیل شده است؛ موضوعی که میان ضرورت تأمین مسکن و اغذغه‌های مهم محیط‌زیستی قرار گرفته است. از یک سو رشد تقاضای غیرقابل انکار برای سکونت یا ساخت خانه دوم در این استان ادامه دارد و از سوی دیگر حفظ زمین، منابع طبیعی و کیفیت محیط‌زیست منطقه ضرورتی انکارناپذیر است.

در چنین شرایطی، اتخاذ رویکردی علمی و متوازن حرف اول را می‌زند؛ رویکردی که ضمن پاسخ به نیاز مسکن، از هرگونه تخریب غیرضروری محیط‌زیست و اکوسیستم جلوگیری کند و توسعه‌ای پایدار و هوشمندانه را رقم بزند.

در این میان، آنچه اغلب در بحث‌ها و مناقشه‌های رسانه‌ای توسط دوستان طبیعت فراموش می‌شود، فقدان یک انتخاب جایگزین در برابر پدیده مهاجرت به شمال کشور است. از جلگه تا کوهستان، از بیلاک تا قشلاک در استان‌های شمالی، سرنوشت‌هایی قرار دارد که با وجود مساحت محدود به‌شدت مورد علاقه برای گردشگری و انواع سکونت‌تعمیرات است. برای پیشگیری از این میل فزاینده نسخه بازدارنده‌ای وجود ندارد.

نیاز به مسکن و تولید ساختمان از یک سو و توجه به اصول و مبانی حفظ محیط‌زیست از سوی دیگر، حکم می‌کند قانونگذاران، سازندگان و دوستان محیط‌زیست به هر دو سوی این موضوع توجه کنند و راهی پیش‌گیند که هم نیاز به تولید مسکن را برآورده کند و هم به حفظ زمین، منابع طبیعی و زیستگاه انسان توجه کافی داشته باشد.

متخصصین ارزیابی محیط‌زیست نشان می‌دهد روند سریع تبدیل اراضی کشاورزی و جنگلی به کاربری مسکونی از نوع ویلا در طی یک دوره ۵ ساله در شهرهای ساحلی نیمه غربی مازندران (نور، رویان، آیدشهر و نوشهر) به ۱۸ برابر رسیده و این زنگ خطر جدی برای شمال کشور است. در این باره و از دید کارشناسی می‌توان نکات زیر را در نظر داشت:

۱- استان‌های مازندران و گیلان با برخورداری از طبیعت زیبا، منابع آب، هوای پاک و آرامش طبیعی، مورد علاقه مردم نقاط دیگر ایران برای داشتن خانه دوم و یا خانه دائمی است. آمار موجود از مهاجرت مردم سایر نقاط به این دو استان، مؤید این واقعیت است.

۲- یکی از مزایای بلندمرتبه‌سازی آن است که از اختصاص زمین‌های زیاد برای ویلاسازی جلوگیری می‌کند. برای نمونه یک برج ۳۸ طبقه مانند ادیما در شهر نور که ۵۰٪ واحد با اندازه‌های مختلف دارد، در زمینی به مساحت ۱۰ هزار مترمربع ساخته شده است. درحالی‌که اگر به‌جای این ساختمان، ۴۰ ویلا ساخته می‌شد، بیش از ۴۰ هزار مترمربع زمین اشغال می‌شد.

ادامه یادداشت را در سایت «پیام ما» بخوانید.

است. هدف نهایی، ایجاد یک پوشش زنده یا محافظ با کمترین نیاز آبی و بیشترین منفعت اکولوژیک است که چهار روش برای آن وجود دارد.

مالچ‌پاشی و حفظ تپویه خاک
پوشاندن سطح خاک با لایه‌ای از مواد آلی (پوسته درختان، کمپوست، خاک برگ) یا معدنی (شن، سنگریزه) باعث می‌شود تا ۷۰ درصد از رطوبت خاک کاهش پیدا کند. همچنین، باعث تنظیم دمای خاک می‌شود و خاک را در تابستان خنک و در زمستان گرم نگه می‌دارد و حفظ تپویه خاک از دیگر فواید آن است و برخلاف سنگفرش، تبادل گازی را مختل نمی‌کند.

کشت گیاهان پوششی کم‌آبر و افزایش تنوع زیستی
استفاده از گیاهان بومی (Native Plants) و سازگار با اقلیم خشک که پس از استقرار به آبیاری بسیار کمی نیاز دارند که از جمله مزایای این کار ایجاد پوشش زنده، افزایش تنوع زیستی، کمک به تثبیت خاک و بهبود منظر شهری است.

سنگ‌فرش‌های نفوذپذیر و کاشت گیاهان مقاوم
در مواردی که نیاز به سطح سخت داریم، می‌توان از موادی مانند سنگ‌فرش‌های مشکی (Grass Pavers) یا سنگدانه‌های بستر-نگهدار (Gravel Grid Systems) استفاده کرد. این سامانه‌ها ضمن ایجاد سطحی مقاوم، اجازه نفوذ آب و تبادل گاز را داده و حتی می‌توان در حفره‌های آن گیاهان مقاوم کاشت.

ادامه یادداشت را در سایت «پیام ما» بخوانید.

می‌شود. علاوه‌براین، سطوح غیرقابل نفوذ، مانع از نفوذ مؤثر آب باران به خاک می‌شوند. همچنین، از تجزیه مواد آلی (مانند برگ‌ریزه) و بازگشت آن به چرخه غذایی خاک جلوگیری می‌کنند. در نتیجه، درختان موجود به‌تدریج از منابع آبی و غذایی محروم می‌شوند. تشدید اثر جزیره حرارتی شهری (Urban Heat Island Effect) هم از دیگر مضرات این کار است. مصالحی مانند سنگ و آسفالت، ضریب جذب تابش خورشیدی بالایی دارند. این سطوح در طول روز گرمای زیادی را جذب و در شب آزاد می‌کنند. جایگزینی سطوح خاکی با سطوح سخت، به افزایش دمای شهر دامن می‌زند. علاوه‌براین، سنگ‌فرش باعث افزایش رواناب و خطر سیلاب‌های شهری می‌شود؛ چراکه باعث افزایش سطوح نفوذناپذیر شهر می‌شود. این امر ضریب رواناب (Runoff Coefficient) را افزایش می‌دهد و حجم آب ورودی به شبکه‌های زهکشی را در هنگام بارش‌ها به‌شدت بالا می‌برد. این پدیده، خطر وقوع سیلاب‌های شهری را تشدید و امکان تغذیه آب‌های زیرزمینی را سلب می‌کند.

با سنگ‌فرش کردن، تخریب زیست‌تعمیرات خاک (Soil Ecosystem) را نیز در پی دارد. خاک یک اکوسیستم زنده است که میزبان مجموعه‌ای پیچیده از میکروارگانیسم‌ها، قارچ‌ها و دیگر موجودات است که در چرخه‌های بیولوژیکی نقش حیاتی دارند. سنگ‌فرش کردن، این زیست‌تعمیرات را منهدم می‌کند و حاصلخیزی خاک را برای همیشه از بین می‌برد.

ایجاد پوشش زنده یا محافظ برای خاک

چگونه می‌توان مشکل را حل کرد؟ راهبرد صحیح، حرکت به سمت «مدیریت پوشش سطح خاک» به جای «حذف خاک»

به‌بانه روز جهانی خاک حفاظت از خاک، مأموریت مشترک شهروندان، دولت و کودک فردا



احمد اسماعیل اسدی

پژوهشگر ارشد آب و خاک و کشاورزی حفاظتی
خاک، بستری اصلی زندگی و زیست‌بنیان طبیعت است؛ جایی که گیاهان و درختان جوانه و ریشه می‌دانند. آب به‌عنوان مغذی در این طرف ذخیره می‌شود و چرخه حیات ادامه می‌یابد. بدون خاک سالم، امنیت غذایی و تنوع‌زیستی در خطر می‌افتد و سلامت انسان و محیط‌زیست تهدید می‌شود. این لایه نازک اما ارزشمند، محل تلاقی انرژی خورشیدی، آب و مواد مغذی است که حیات روی زمین را ممکن می‌سازد. خاک، منبع تولید غذا و فیبر و سوخت و فرآورده‌های، حافظ تعادل بوم‌سازگان‌ها و تنظیم‌کننده آب و هواست. حفاظت از خاک، حفاظت از زندگی و آینده‌ای پایدار برای همه موجودات است. در هر نقطه‌ای از این سرتزمین، کافی است اندکی خم شویم و مشتی خاک در دست بگیریم؛ آن‌گاه درمی‌یابیم که چگونه این دانه‌های خرد و خاموش، بنیان همه روشنی‌ها، رویش‌ها و پایدارهای جهان‌اند. خاک، بستر حیات، ظرف آب، ریشه‌گاه گیاه و بنیان تمدن است؛ همان ماده تجدیدناپذیر و بستر حیات فروتنی که حضرت سعدی درباره‌اش می‌گوید: «بتی آدم سریش از خاک دارد / اگر خاکی نباشد آدمی نیست»

چرا ۵ دسامبر روز جهانی خاک؟

سازمان غذا و کشاورزی ملل متحد (FAO) در سال ۲۰۱۳، روز پنجم دسامبر را به احترام تلاش‌های «بیومبیل آذوبلاده»، پادشاه فقید تایلند (۱۹۲۷-۲۰۱۶)، در توسعه پایدار خاک‌ها و به‌منظور جلب توجه جهانی به بحران خاک، روز جهانی خاک نامید. هدف این روز یادآوری یک حقیقت ساده، اما حیاتی است: بدون خاک سالم، امنیت غذایی، آب، سلامت انسان، اقلیم و پایداری شهری در معرض تهدید جدی قرار می‌گیرد.

ادامه یادداشت را در سایت «پیام ما» بخوانید.

آهگی مناقصه عمومی

شهرداری اختیارآباد بر اساس درخواست شماره ۶۹۱-۴ مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۰۱ کارشناس عمران واحد فنی خود در نظر دارد نسبت به اجرای امورات عمرانی و خرده‌کاری‌های بنایی قسمتی از معابر شهرو اختیارآباد بصورت دستمزدی (بدون مصالح مورد نیاز) طبق جزئیات مندرج در اسناد مناقصه شامل: اجرای جدول‌گذاری از نوع بتنی و سنگی، فرش موزاییک، اجرای سرامیک دیوار و سرامیک کف، آجر چالیز بصورت هره، پلاستر سیمان دیوار و سقف به‌صورت کامل و شمشه‌ای، نریمه پودر سنگ دیوار و سقف، دیوارچینی با بلوک سیمانی ته بسته و ته باز، اجرای دیوار آجری با ضخامت‌های مختلف، اجرای بتن کف با کروم بندی، فونداسیون پایه چراغ روشنایی و پایه پرچم به‌صورت بتنی، اجرای سنگ کف و اجرای سنگ دیوار با اسکوپ کامل. آنچه با موزاییک یا سنگ روی دیوار به‌صورت دوطرفه، اجرای گچ‌کاری دیوار با گچ سفید با نیش گیری، اجرای گچ‌کاری سقف با گچ سفید و همچنین اجرای گچ‌کاری دیوار با خاک گچ یا گچ شوره با شمشه - اجرای سنگ‌فرش با سنگ تافک با بندکشی به‌صورت کامل - اجرای آجرفرش با آجرقرزایی با بندکشی به‌صورت کامل - اجرای سنگ پله شامل کف و پیشانی با بندکشی به‌صورت کامل با برآورد تقریبی اولیه به میزان ۳۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (سی میلیارد ریال) از محل اعتبارات داخلی بودجه سال جاری خود با بهره‌گیری از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) به آدرس اینترنتی www.setadiran.ir از طریق مناقصه عمومی (فراخوان) اقدام نماید. لازم به ذکر است کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد تا ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکات از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) انجام می‌گردد و شهرداری در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات مختار بوده و هزینه‌های درج ذل نوبت آهگی روزنامه و همچنین کلیه کسورات قانونی (به غیر از ۹٪ مالیات ارزش افزوده) تماماً به عهده برنده مناقصه می‌باشند.

- ضمناً شرکت‌کنندگان در مناقصه مذکور جهت تحویل پاکت الف (حاوی ضمانت‌نامه شرکت در مناقصه) بایستی به آدرس اختیار آباد خیابان امام‌جمعه نبش کوچه ۲۴ شهرداری اختیارآباد (واحد دیرخانه) مراجعه نمایند.

شهرداری اختیارآباد



شرکت همیار گهر حدید سیرجان
Mhyar Gohar Hadid Sirjan .co

آهگی مناقصه عمومی

شماره ۱۰۲۸ م ع ۰۴/

شرکت همیار گهر حدید سیرجان در نظر دارد خرید گوشت گوسفند و گوساله را از طریق برگزاری مناقصه عمومی به پیمانکار واجد صلاحیت واگذار نماید؛ لذا متقاضیان می‌توانند جهت دریافت اسناد مناقصه به سایت WWW.GOHARHADID.CO بخش فراخوان - مناقصه مراجعه فرمایند.

آخرین مهلت تحویل پاکات ساعت ۱۵ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۳

در محل دبیرخانه کمیسیون معاملات شرکت همیار گهر حدید سیرجان می‌باشد. شرکت همیار گهر حدید سیرجان در قبول یا رد هر یک از پیشنهادات بدون نیاز به ذکر دلیل و بدون جبران خسارت مختار می‌باشد. ضمناً لازم به ذکر است مناقصه‌گران می‌بایست اسناد خود را در پاکات مخصوصی که از دبیرخانه کمیسیون معاملات شرکت همیار گهر حدید سیرجان دریافت می‌نمایند به‌صورت مهرموم شده تحویل دهند.

هزینه چاپ آهگی بر عهده برنده مناقصه می‌باشد.

جهت کسب اطلاعات بیشتر در ساعات اداری با شماره‌تلفن‌های ۰۳۴۴۱۵۲۶۰۰ داخلی ۹۱۴۷ تماس حاصل فرمایید.

دبیرخانه کمیسیون معاملات شرکت همیار گهر حدید سیرجان

برگزاری سه رویداد مهم حوزه صنعت مس در رفسنجان در آذرماه

مدیر امور نوآوری و کسب‌وکارهای نوین شرکت ملی صنایع مس ایران گفت: ۲۲ و ۲۳ آذرماه برای بازدید از کارخانه‌های نوآورانه و فناوری‌های نوآورانه در صنعت مس در رفسنجان برگزار می‌شود.

به گزارش روابط عمومی مجتمع مس سرچشمه رفسنجان، محمدرضا ابراهیم‌نژاد امروز سه‌شنبه آذرماه در نشست خبری رویداد ملی ایده‌های نوآورانه و فناوری‌های نوآورانه زنجیره ارزش مس، اظهار کرد: سه اتفاق مهم زمان ۲۲ و ۲۳ آذرماه جاری توسط مجتمع مس برگزار می‌شود، رویداد ملی ایده‌های نوآورانه و فناوری‌های نوآورانه در رفسنجان، رویداد ملی نوآوری و فناوری در صنعت مس و روز ملی صنعت مس در دانشگاه ولی عصر (عج) رویدادهایی هستند که برگزار می‌شوند.

مدیر مرکز نوآوری شهید ستاری درباره رویداد زنجیره ارزش مس اظهار داشت: زنجیره از اکتشاف معدن، استخراج، فرآوری، ذوب، پالایشگاه و محصولی که به بازار عرضه می‌شود را در برمی‌گیرد.

وی ادامه داد: چهار ماه برای رویداد برنامه‌ریزی شده است تا به نحو احسن برگزار شود و مدیرعامل شرکت ملی صنایع مس ایران به طور جد حمایت خود را از آن اعلام کرده است.

ارسال ۵۹۶ ایده به دبیرخانه رویداد
مدیر امور نوآوری و کسب‌وکارهای نوین شرکت ملی صنایع مس ایران این رویداد را بی‌نظیر عنوان کرد و گفت: تا به امروز ۵۹۶ ایده از سراسر کشور به دبیرخانه رویداد ارسال شده است.

ابراهیم‌نژاد به اهمیت برگزاری این رویداد پرداخت و گفت: سال ۱۴۰۳ بخش قابل توجه‌ای از فروش صرف هزینه‌ها شده، اگر شرکت ملی صنایع مس ایران به کمک تکنولوژی، نوآوری و فناوری فرآیندهای خود را بهبود دهد در آینده‌ای بسیار نزدیک شرکت به نقطه مساوی هزینه و درآمد می‌رسد و از سودآوری می‌ماند، یکی از ابزارها برای فاصله گرفتن از این وضعیت رویداد است که به عنوان چشم سوم از بیرون نواقص را ببینند و ایده بدهند و افزایش بهره‌وری را داشته باشیم.



آهگی مفقودی

مفقودی سند کمپانی و فاکتور فروش ماشین خودرو سواری پژو PARSTU5 مدل ۱۳۹۷ به رنگ سفید به شماره موتور 16480206930 به شماره شاسی NAAN11FE1JH958121 مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.

منوجان

آهگی مفقودی

مفقودی برگ سبز ماشین خودرو سواری سایبا 131SE مدل ۱۳۹۵ به رنگ سفید - رونقی به شماره موتور M13/5634837 به شماره شاسی NAS411100G1229922 به شماره پلاک ۸۵ ق ۲۴۶ ایران ۶۵ به نام زهرا رضانی مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.

رودبار جنوب